

فاطمه

اللهم صل على آله وصحبه وسلم في يومنا هذا
وعلينا من آل محمد

فاطمه



اثر حجت الاسلام دانیال عمران



ویژه موسم تبلیغی فاطمیه ۱۴۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۴مقدمه
۶بررسی شبهات در آیات قرآن کریم
۶شبهه سهم الارث زن
۹شبهه ضعف شهادت زن
۱۴شبهه آیه تسلط مرد بر زنان و جواز ضرب آنها
۲۰شبهه جواز تعدد زوجات برای مردان و عدم جواز برای زنان
۲۳بررسی شبهات در روایات معصومین
۳۰چرا حق طلاق با مرد است؟

شبهات حقوق زنان در اسلام

مقدمه

یکی از مباحث مهمی که در طول تاریخ ، محلّ نزاع بسیاری از اندیشمندان اسلامی بوده ، مسئله ی تساوی حقوق زن و مرد در اسلام می باشد . عده ای با تکیه بر روایاتی مبتنی بر ضعف زنان ، اسلام را متهم به تبعیض جنسیتی نموده و آن را ابزاری در جهت تحقیر مقام زن به کار می برند و جایگاه زن در نگاه اسلام را پست و بی ارزش جلوه می دهند. روایاتی که در ظاهر فریبنده اند اما با کمی تأمل و دقت می توان تفسیر صحیح آن را فهمید .

نگاه اسلام به زن هیچ گاه تحقیرانه نبوده و ارزشی را که برای زن قائل است با هیچ یک از ادیان و مکاتب دیگر قابل قیاس نیست . اسلام به زن به عنوان کالای بی ارزش نمی نگرد بلکه تربیت کننده ی انسان ها و نسل ها می داند و در راه رسیدن به مراتب و درجات بالای معنوی ، زن را نیز همچون مرد مستعد می شمارد .

در این نوشتار ابتدا به بررسی مهم ترین شبهات پیرامون حقوق زنان در قرآن کریم و پاسخ آن پرداخته ایم و با اثبات این مطلب که سراسر قرآن تساوی حقوق زن و مرد را فریاد می زند ، این نکته را متذکر می شویم که میان مرد و زن تساوی حقوق وجود دارد اما تشابه حقوق خیر ؛ زیرا تشابه حقوق منجر به کوتاهی در حق یکی از دو طرف می گردد .

شبهات حقوق زنان در اسلام

سپس به بررسی مشهورترین روایات در باب تحقیر جایگاه زنان می پردازیم و مهمترین اشکال این روایات یعنی ضعف سندی را بیان می نماییم . در نهایت بخاطر عدم هم خوانی این روایات با آیات قرآن کریم ، دلالت این آنها را نیز ردّ می کنیم .

بررسی شبهات در آیات قرآن کریم

شبهه سهم الارث زن

یکی از شبهاتی که بسیار درباره‌ی آن بحث شده است، شبهه‌ی سهم الارث زن نسبت به مرد می باشد: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ»^۱ «فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ بَيْنَ الَّذِينَ يَرْتَبُونَ أَنْ تَنْصُلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

همانطور که از ظاهر آیه بدست می‌آید، پسر دو برابر دختر و برادر دو برابر خواهر و شوهر دو برابر زن ارث می برد اما عده ای این تقسیم را به دور از تساوی میان حقوق زن و مرد پنداشته اند و حال آنکه به چند نکته توجه نداشته اند :

۱. «علت اینکه اسلام سهم الارث زن را نصف سهم الارث مرد قرار داده وضع خاصی است که زن از لحاظ مهر و نفقه و سربازی و برخی قوانین جزایی دارد؛ یعنی وضع خاص ارثی زن معلول وضع خاصی است که زن از لحاظ مهر و نفقه و غیره دارد.

اسلام مهر و نفقه را امری لازم و مؤثر در استحکام زناشویی و تأمین آسایش خانوادگی و ایجاد وحدت میان زن و شوهر می‌شناسد. از نظر اسلام الغاء مهر و نفقه و خصوصاً نفقه موجب تزلزل اساس خانوادگی و کشیده شدن زن به سوی فحشاء است. و چون مهر و نفقه را لازم می‌داند و به این سبب قهراً از بودجه

۱ - بو و نساء، آی ۱۷

۲ - بو و نساء، آی ۱۷

شبهات حقوق زنان در اسلام

زندگی زن کاسته شده است و تحمیلی از این نظر بر مرد شده است، اسلام می‌خواهد این تحمیل از طریق ارث جبران بشود. لهذا برای مرد دو برابر زن سهم الارث قرار داده است. پس مهر و نفقه است که سهم الارث زن را تنزل داده است. برخی از غرب پرستان وقتی که در این مسأله داد سخن می‌دهند و نقص سهم الارث زن را یک وسیله تبلیغ و هیاهو علیه اسلام قرار می‌دهند، موضوع مهر و نفقه را پیش می‌کشند. می‌گویند چه لزومی دارد که ما سهم زن را در ارث از سهم مرد کمتر قرار دهیم و آنگاه این کمبود را به وسیله مهر و نفقه جبران کنیم؟ از اول سهم الارث زن را معادل سهم الارث مرد قرار می‌دهیم تا مجبور نشویم با مهر و نفقه آن را جبران کنیم.

اولاً این دایگان مهربانتر از مادر، علت را به جای معلول و معلول را به جای علت گرفته‌اند. اینها خیال کرده‌اند مهر و نفقه معلول وضع خاص ارثی زن است، غافل از اینکه وضع خاص ارثی زن معلول مهر و نفقه است. ثانیاً گمان کرده‌اند آنچه در اینجا وجود دارد صرفاً جنبه مالی و اقتصادی است. بدیهی است اگر تنها جنبه مالی و اقتصادی مطرح بود دلیلی نداشت که مهر و نفقه‌ای در کار باشد و یا سهم الارث زن و مرد تفاوت داشته باشد. چنانکه در مقاله پیش گفتیم اسلام جهات زیادی را که بعضی طبیعی و بعضی روانی است در نظر گرفته است. از یک طرف احتیاجات و گرفتاریهای زیاد زن از لحاظ تولید نسل در صورتی که مرد طبعاً از همه آنها آزاد است، از طرف دیگر قدرت کمتر او از مرد در تولید و تحصیل ثروت، و از جانب سوم استهلاک ثروت بیشتر او از مرد، بعلاوه ملاحظات روانی

شبهات حقوق زنان در اسلام

و روحی خاص زن و مرد و به عبارت دیگر روانشناسی زن و مرد و اینکه مرد همواره باید به صورت خرج کننده برای زن باشد و بالأخره ملاحظات دقیق روانی و اجتماعی که سبب استحکام علقه خانوادگی می شود، اسلام همه اینها را در نظر گرفته و مهر و نفقه را از این جهات لازم دانسته است. این امور ضروری و لازم به طور غیرمستقیم سبب شده که بر بودجه مرد تحمیل وارد شود. از این رو اسلام دستور داده که به خاطر جبران تحمیلی که بر مرد شده است، مرد دو برابر زن سهم الارث ببرد. پس تنها جنبه مالی و اقتصادی در میان نیست که گفته شود چه لزومی دارد در یک جا سهم زن کسر شود و در جای دیگر جبران گردد.»^۳

۲- علاوه بر این همواره مردان بیش از زنان از ارث برخوردار نمی شوند، بلکه برخی موارد نیز وجود دارد که به صورت مساوی و یا حتی معکوس بوده و زنان از حق الارث بیشتری بهره می گیرند مانند اینکه اگر فردی رحلت نموده و پدر دانشمند و فرهیخته ای، به همراه دختری خردسال، وارث او باشند، مطابق با دستورات فقه اسلامی، آن دختر، پنج برابر پدربزرگ دانشمندش، ارث می برد، آیا این موضوع را می توان نشانه خوشبخت بودن دختر و بدبخت بودن پدر به شمار آورد؟!

۳- با توجه به اینکه مدیریت اقتصادی زندگی بر عهده مرد می باشد و داشتن توانایی بیشتر در اداره ی امور مالی زندگی نیز می تواند دلیل محکمی بر این باشد

۳- نظر حقه زن در اسلام، ص ۲۲۵

شبهات حقوق زنان در اسلام

که سرمایه‌ی بیشتری را نسبت به زن که روحیه‌ی کاملاً متفاوت دارد، داشته باشد.

۴- از همه مهم‌تر این که برخورداری از ثروت بیشتر را نمی‌توان به هیچ وجه نشان برتری جایگاه انسانی افراد دانست و چنین تفکری از جانب خداوند به شدت محکوم شده است.^۴

بنابراین عدالت بین زن و مرد در مسئله‌ی ارث اینگونه است که در برخی موارد، مرد دو برابر زن ارث ببرد و گرنه در نظامات خانوادگی اخلال به وجود می‌آید و زن و مرد و جامعه متضرر می‌شوند.^۵

شبهه ضعف شهادت زن

یکی دیگر از آیاتی که به عنوان تضعیف‌کننده جایگاه زن نسبت به مرد مورد استناد قرار می‌گیرد آیه‌ی ۲۸۲ سوره‌ی بقره می‌باشد: «وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»

۴- بو و مومنی، آیه ۵ و ۵، ۵

۵- روع ثوده ملا: فلسفه‌ی تفاوت حقوق زنان و مردان مسلمان در خصوص صورت و هم‌بستگی آیات و احادیث (محمد ضابطه لاهیجی)، چل زنان نص و دنارا شیخ بید (بعید توکل) مجتبی تفاوت سهم لراثن و مرد در نظام حقوق اسلام (بید احمد میرحسینی)، فلسفه تفاوتها زن و مرد در حقوق اسلام (محمد فالح)

شبهات حقوق زنان در اسلام

همانطور که در این آیه مشخص است بحث درباره ی شهادت زن است که در برخی موارد مانند رویت هلال ماه پذیرفته نمی شود و در برخی موارد که پذیرفته می شود، شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد می باشد . باز سوال پیش می آید که مگر زن جایگاه پایین تری نسبت به مرد دارد که شهادتش اینچنین است ؟

در پاسخ به اینکه چرا شهادت زن در مسائلی مانند رویت هلال ماه و یا شهاداتی که موجب اجرای حدود می گردد پذیرفته نیست باید بگوییم :

اولاً در برخی موارد شهادت زن به تنهایی کافی می باشد مانند شهادت بر ولادت طفل حیاً و یا برخی مسائل مختص زنان .

ثانیاً به نظر می رسد با توجه به دستور اسلام مبتنی بر ماندن زن در خانه و عدم حضور زیاد در اجتماع (با توجه به روحیات او) در مسائلی که شاهد مرد می توان پیدا نمود ، شهادت زن از حجیت و اعتبار ساقط شده است . ثالثاً فقها یک عنوان کلی را مطرح نموده اند مبنی بر اینکه در آنجاهایی که حق الله در میان است شهادت زن پذیرفته نمی شود اما در آنجاهایی که حق الناس وجود دارد شهادت زن معتبر است .^۶ رابعاً در بحث شاهد طلاق که حتماً باید مرد باشد به نظر می رسد علت دیگری

۶ - روح ثو دبه . کتب زن و مسأله قضای و سیلیع ، ص ۲۱

شبهات حقوق زنان در اسلام

دارد و آن اینکه هم در امر طلاق گرفتن سخت‌گیری بیشتری صورت پذیرد و هم اینکه زن دائماً در مواجهه با طلاق دادن و طلاق گرفتن نباشد.

اما در مواردی که شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد دانسته شده چند احتمال وجود دارد:

اول آنکه زن ناقص العقل است و عقل یک زن برابر است با نصف عقل یک مرد؛ بنابراین در مسئله‌ی شهادت، باید دو زن جایگزین یک مرد شوند. همانطور که در خطبه‌ی ۸۰ نهج البلاغه نیز به این مطلب اشاره شده است: «وَأَمَّا نَقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ» در ردّ این احتمال باید بگوییم علاوه بر آنکه این روایت ضعف‌سندی دارد، شهادت بر اساس معلومات است نه معقولات؛ یعنی شهادت بر اساس مشاهده می‌باشد و شخص با رویت می‌تواند شهادت بدهد نه اینکه خودش استنباط کند و طبق استنباط عقلی شاهد باشد. فلذا نمی‌توان این دلیل را پذیرفت.

احتمال دوم آنکه عدالت زن نسبت به مرد کمتر می‌باشد و عدالت زن از نظر اسلام سست‌تر از عدالت مرد است فلذا باید دو زن عادل شهادت بدهند. این احتمال نیز با توجه به آیات قرآن کریم ردّ می‌شود و هیچ‌جای قرآن نیامده است که عدالت زن از عدالت مرد پایین‌تر می‌باشد.

۷ - درینج - شبهات در ولایت بر روی سنن و خطبه‌ی محمد با زین

شبهات حقوق زنان در اسلام

احتمال سوم اینکه احساسات و عواطف زن نسبت به مرد بیشتر است و ممکن است که بر اساس احساسات حکم کند نه طبق آنچه که واقعیت داشته فلذا باید دو زن باشند که از این سرکشی احساسات جلوگیری شود . برخی از مفسرین این احتمال را صحیح دانسته اند اما به نظر می رسد با توجه به اینکه می گوئیم احساسات زن بر منطق و عقل او حاکم است ، نباید شهادت و حتی قضاوت هیچ زنی را بپذیریم زیرا این امر کلی را بر همه ی زن ها حمل می کنیم و یا حداقل اگر مقصود این باشد که آن گروه از زنانی که عقل شان بر احساسات شان غلبه دارد میتوانند شهادت بدهند ، باید این گروه خاص ذکر می شد . علاوه بر این برخی از مردان نیز هستند که بسیار احساساتی می باشند . اما در هر صورت میتوان این احتمال را قوی دانست .

احتمال چهارم اینکه همانطور که در خود آیه ذکر شده است علت گرفتن دو شاهد زن این است که اگر یکی از آنها فراموش کرد دیگری به او یادآوری کند. یکی از شرایط شاهدین این است که از قدرت حفظ و ضبط خوبی برخوردار باشد و به تعبیر قرآن فراموش نکند . زن با توجه به روحیاتش در مسائل اجتماعی کمتر حضور دارد (طبق دستور اسلام) و معمولاً این گونه مسائل مورد توجهش نیست. از این رو حکم به گرفتن دو شاهد زن شده است .

علاوه بر مسئله ی شهادت ، حکمی هم در اسلام نسبت به اینکه زن نمی تواند قاضی و مرجع تقلید شود وجود دارد که تمامی روایات در این باب از لحاظ سندی یا دلالتی مشکل دارند و استاد شهید مطهری در کتاب زن و مسائل قضایی

شبهات حقوق زنان در اسلام

و سیاسی آنها را به تفصیل توضیح داده اند.^۸ اما تنها دلیلی که بر اثبات این حکم بیان می کنند، اجماع فقها در مسئله ی قضاوت زن و بنای عقلا در مسئله ی مرجعیت زن می باشد و آیه یا روایت صحیحی مبنی بر اثبات این دو حکم نداریم

۹.

۸ - زن و مسأله قضاوت و سیلیس، ص ۲۷

۹ - روح نودیه ملات: قضاوت زن از دیدگاه فقه شیعه (بید محمد یعقوب مویس)، میان فقه ممنوعیت قضاوت زن در اندیشه ی فقهای شیعه (لهم دلفی)، تألیف فقه پیر اهل ی مع قضاوت زنا (حنن علی پور)، آیه حلیه و قضاوت زن (عابدی موهب)، مباحث فقه قضاوت زن (سید محمدحسین مرعشی)، فقه و حقوق در خصوص قضاوت زن از دیدگاه اسلام (سید محمدحسین مرعشی)، زن و مسأله قضاوت از دیدگاه فقه اجتماعی زن در اسلام (مرعشی در فقه (محمد وری)، مرجعیت زنا (علی شیرخانی) (اجتهاد دو مرجعیت زنا از منظر جدید (فاطمه علی رحمانی)

شبهات حقوق زنان در اسلام

شبهه آیه تسلط مرد بر زنان و جواز ضرب آنها

عده ای آیه ی ۳۴ سوره ی نساء را به عنوان دلیلی بر تحقیر و تضعیف و تنبیه

زن برشمرده اند :

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا»

اما با رجوع به تفسیر این آیه به معنای مقصود از آن پی می بریم :

« خانواده، یک واحد کوچک اجتماعی است و همانند یک اجتماع بزرگ باید رهبر و سرپرست واحدی داشته باشد؛ زیرا رهبری و سرپرستی دسته جمعی که زن و مرد مشترکاً آن را به عهده بگیرند، مفهومی ندارد، در نتیجه مرد یا زن یکی باید رئیس خانواده، و دیگری معاون و تحت نظارت او باشد، قرآن در اینجا تصریح می کند که: مقام سرپرستی باید به مرد داده شود، می فرماید: مردان سرپرست و نگهبان زنان هستند (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ).

البته مقصود از این تعبیر، استبداد، اجحاف و تعدی نیست، بلکه منظور رهبری واحد منظم، با توجه به مسئولیت ها و مشورت های لازم است. این مسأله در دنیای امروز بیش از هر زمان، روشن است که اگر هیئتی (حتی یک هیئت دو نفری) مأمور انجام کاری شود، حتماً باید یکی از آن دو، رئیس و دیگری معاون

شبهات حقوق زنان در اسلام

یا عضو باشد، و گر نه هرج و مرج در کار آنها پیدا می شود. سرپرستی مرد در خانواده نیز از همین قبیل است و این موقعیت به خاطر وجود خصوصیات در مرد است، مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات، (به عکس زن که از نیروی سرشار عواطف بیشتری بهره مند است و دیگری داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده خود دفاع نماید.

به علاوه، تعهد او در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه های زندگی، و پرداخت مهر و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزند، این حق را به او می دهد که وظیفه سرپرستی به عهده او باشد.

البته ممکن است زنانی در جهات فوق بر شوهران خود، امتیاز داشته باشند، ولی کراراً گفته ایم: قوانین به تک تک افراد و نفرات نظر ندارد، بلکه نوع و کلی را در نظر می گیرد، و شکی نیست که از نظر کلی، مردان نسبت به زنان برای این کار آمادگی بیشتری دارند، اگر چه زنان نیز وظائفی می توانند به عهده بگیرند که اهمیت آن مورد تردید نیست. جمله های بعد اشاره به همین حقیقت است؛ زیرا در قسمت اول می فرماید: این سرپرستی به خاطر تفاوت هائی است که خداوند از نظر آفرینش، روی مصلحت نوع بشر میان آنها قرار داده (بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ). و در قسمت دیگر می فرماید: و نیز این سرپرستی به خاطر تعهداتی

شبهات حقوق زنان در اسلام

است که مردان در مورد انفاق و پرداخت های مالی در برابر زنان و خانواده بر عهده دارند (وَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ).

ناگفته پیدا است: سپردن این وظیفه به مردان، نه دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی آنها است، و نه سبب امتیاز آنها در جهان دیگر؛ زیرا آن صرفاً بستگی به تقوا و پرهیزگاری دارد، همان طور که شخصیت انسانی یک معاون از یک رئیس ممکن است در جنبه های مختلفی بیشتر باشد، اما رئیس برای سرپرستی کاری که به او محول شده از معاون خود شایسته تر است.

سپس اضافه می فرماید: زنان در برابر وظائفی که در خانواده به عهده دارند، دو دسته اند:

دسته اول: صالحان و درستکاران، آنها که در برابر نظام خانواده خاضع و متعهد می باشند و نه تنها در حضور شوهر، که در غیاب او، حفظ الغیب می کنند (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ). یعنی مرتکب خیانت چه از نظر مال، چه از نظر ناموس، و چه از نظر حفظ شخصیت شوهر و اسرار خانواده در غیاب او نمی شوند، و در برابر حقوقی که خداوند برای آنها قائل شده و با جمله بِمَا حَفِظَ اللَّهُ به آن اشاره گردیده، وظائف و مسئولیت های خود را به خوبی انجام می دهند. بدیهی است مردان موظفند در برابر این گونه زنان نهایت احترام و حق شناسی را انجام دهند.

دسته دوم: زنانی هستند که از وظائف خود سرپیچی می کنند و نشانه های

شبهات حقوق زنان در اسلام

ناسازگاری در آنها دیده می شود، مردان در برابر این گونه زنان وظائف و مسئولیت هائی دارند که باید مرحله، به مرحله انجام گردد، و در هر صورت مراقب باشند که از حریم عدالت تجاوز نکنند، این وظائف به ترتیب زیر در آیه بیان شده است: مرحله اول، در مورد زنانی است که نشانه های سرکشی، عداوت و دشمنی در آنها آشکار می گردد که قرآن از آنها چنین تعبیر می کند: زنانی را که از طغیان و سرکشی آنها می ترسید موعظه کنید و پند و اندرز دهید (وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ) و به این ترتیب، آنها که پا از حریم نظام خانوادگی فراتر می گذارند قبل از هر چیز باید به وسیله اندرزهای دوستانه و نتایج سوء این گونه کارها، آنان را به راه آورد و متوجه مسئولیت خود نمود. پس از آن برای مرحله دوم می فرماید: در صورتی که اندرزهای شما سودی نداد، در بستر از آنها دوری کنید (وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ).

و با این عکس العمل و بی اعتنائی، و به اصطلاح قهر کردن، عدم رضایت خود را از رفتار آنها آشکار سازید، شاید همین واکنش خفیف در روح آنها مؤثر گردد.

در مرحله سوم، در صورتی که سرکشی و پشت پازدن به وظائف و مسئولیت ها از حد بگذرد و همچنان در راه قانون شکنی با لجاجت و سرسختی گام بردارند، یعنی نه اندرزها تأثیر کند، و نه جدا شدن در بستر و کم اعتنائی نفعی ببخشد و راهی جز شدت عمل باقی نماند، آنها را تنبیه بدنی کنید (وَ اضْرِبُوهُنَّ). در

شبهات حقوق زنان در اسلام

اینجا اجازه داده شده که از طریق تنبیه بدنی آنها را به انجام وظائف خویش وادار کنند.

مسلم است اگر مرحله اول و دوم مؤثر واقع شود، و زن به انجام وظیفه خود اقدام کند، مرد حق ندارد بهانه گیری کرده، در صدد آزار وی بر آید، لذا به دنبال این جمله می فرماید: اگر آنها اطاعت کنند، راهی برای تعدی به آنها نجوئید (فَإِنْ أُطِعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً).

اگر گفته شود: نظیر این طغیان، سرکشی و تجاوز در مردان نیز ممکن است پدید آید، آیا مردان نیز مشمول چنین مجازات هائی خواهند شد؟ در پاسخ می گوئیم: آری، مردان هم درست همانند زنان در صورت تخلف از وظائف مجازات می گردند، حتی مجازات بدنی، منتها چون این کار غالباً از عهده زنان خارج است، حاکم شرع موظف است مردان متخلف را از طرق مختلف و حتی از طریق تعزیر (مجازات بدنی) به وظائف خود آشنا سازد.

ممکن است عده ای ایراد کنند که چگونه اسلام به مردان اجازه داده در مورد زنان متوسل به تنبیه بدنی شوند؟!

پاسخ این ایراد، با توجه به معنی آیه، و روایاتی که در بیان آن وارد شده و توضیح آن در کتب فقهی آمده است و همچنین با توضیحاتی که روانشناسان امروز می دهند چندان پیچیده نیست؛ زیرا: اولاً آیه، مسأله تنبیه بدنی را در مورد افراد وظیفه نشناسی مجاز شمرده که هیچ

شبهات حقوق زنان در اسلام

وسیله دیگری برای اصلاح آنها مفید واقع نشود. اتفاقاً این موضوع تازه ای نیست که منحصر به اسلام باشد، در تمام قوانین دنیا هنگامی که طرق مسالمت آمیز برای وادار کردن افراد به انجام وظیفه، مؤثر واقع نشود، متوسل به خشونت می شوند، نه تنها از طریق ضرب، بلکه گاهی در موارد خاصی مجازات هائی شدیدتر از آن نیز قائل می شوند، که تا سرحد اعدام پیش می رود.

ثانیاً تنبیه بدنی در اینجا - همان طور که در کتب فقهی نیز آمده است - باید ملایم و خفیف باشد به طوری که نه موجب شکستگی شود، نه مجروح گردد و نه باعث کبودی بدن.

ثالثاً روانکاوان امروز، معتقدند جمعی از زنان دارای حالتی به نام مازوشیسم (آزار طلبی) هستند، که گاه این حالت در آنها تشدید می شود، تنها راه آرامش آنان تنبیه مختصر بدنی است. بنابراین، ممکن است ناظر به چنین افرادی باشد که تنبیه خفیف بدنی در مورد آنان جنبه آرام بخشی دارد و یک نوع درمان روانی است.^{۱۱}

۱۰ - تلخیصی از تفسیر نمونه ذیل این آیه شریفه

۱ - روع ثوبه المؤمنة، ج ۴، ص ۲۹، ملات: تحلیله گفتیها تفواتها
جنسیت در تفاسیر آیه ۳۴ بو و نساء (فاطمه توفیق)، در پی تحلیله و التفی در
آیه «الرجل ولی لعل علی النسل» (فاطمه علیّه رحمة)

شبهات حقوق زنان در اسلام

شبهه جواز تعدد زوجات برای مردان و عدم جواز برای زنان

یکی دیگر از شبهاتی که نسبت به آیات قرآن مطرح می‌کنند این است که چرا مرد می‌تواند چند همسر داشته باشد و لی زن نمی‌تواند چند شوهر اختیار کند ؟

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»^{۱۲}

اشکال عمده و اساسی که چندشوهری به وجود می‌آورد و همان بیشتر سبب شده که این رسم عملاً موفقیتی نداشته باشد، اشتباه انساب است. در این نوع زناشویی رابطه پدر با فرزند عملاً نامشخص است، همچنانکه در تاریخ نیز در آن مناطقی که چنین رسمی وجود داشته رابطه پدران با فرزندان نامشخص است؛ فلذا چندشوهری نتوانست مورد پذیرش یک اجتماع واقعی قرار گیرد :

علاوه بر اینکه چندشوهری نه تنها با طبیعت انحصارطلبی و فرزنددوستی مرد ناموافق است، با طبیعت زن نیز مخالفت دارد. تحقیقات روانشناسی ثابت کرده است که زن بیش از مرد خواهان تک همسری است.

اما اسلام چندزنی را برخلاف چندشوهری بکلی نسخ و لغو نکرده است ، بلکه آن را تحدید و تقیید کرد و اصلاحاتی بوجود آورد ؛ یعنی از طرفی نامحدودی را

شبهات حقوق زنان در اسلام

که از قبل در بین قبایل مرسوم بود از میان برد و برای آن حداکثر چهار مورد قائل شد و از طرف دیگر برای آن قیود و شرایطی قرار داد و به هرکس اجازه نداد که همسران متعدد انتخاب کند. مثلاً شرط عادل بودن نسبت به جمیع زن ها که رعایت آن بسیار سخت است خود مانع جدی ای در مسیر چند همسری به شمار می آید. علاوه بر اینکه در شرایط فزونی نسبی عدد زنان آماده ازدواج بر مردان آماده ازدواج اگر این اجازه داده نشود زن به بدترین صورت ممکن ملعبه مردان هوس باز خواهد شد و با او بدتر از یک کنیز رفتار می کنند.^{۱۳} با همه ی این تفاسیلی که در ظاهر مبتنی بر مذمت و نکوهش مقام زن می باشند، وقتی که به قرآن رجوع میکنیم چیزی جز مساوات میان مرد و زن نمی بینیم: آیاتی که مرد و زن را از لحاظ ارزش وجودی و در راه رسیدن به خدا و ایمان به او، همطراز دانسته و جنسیت آنها را در این زمینه مؤثر نمی دانند.^{۱۴} ذر تمام قرآن، آیه ای که زن را موجودی کم ارزش و ناقص العقل تلقی نماید، یافت نمی شود، البته از طرفی هم نمی توان مدعی شد که میان این مرد و زن، هیچ تفاوتی

۱ - روع ثو دم ملا ت: فلسف تشع قانون عه د زوجت چن همسی و پلخ
ب شبهات نآز دیدگا لسو دمطعی (ید یو لهو حسنی)، عه عه داز زوجت
یا گجند ب طبیع (ید یو الفلح موبعو زنجاز)، عه د زوجت درقانون اسلام
(مرتضی طیبی)، میان فقہ و حقوق نظام عه د زوجت در خلا ه فریب
(حاجیعلی)

۱ - بو و حوت / آیه ۱۳، بو و لآ عو ن / آیه ۹۵، نسا / آیه ۱۲۴، حج / آیه ۹۷

شبهات حقوق زنان در اسلام

نیز وجود ندارد، بلکه به تعبیر امام خمینی (رحمه الله علیه) : « در بعضی از موارد، تفاوت هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباطی ندارد ». ^۵ بنابراین اگر بخواهیم این فصل را در یک جمله خلاصه کنیم باید بگوییم : تساوی میان زن و مرد وجود دارد اما تشابه خیر که آن هم به خاطر خلقت و آفرینش آنهاست .

بررسی شبهات در روایات معصومین

بر اساس موازین ارائه شده از جانب امامان معصوم (ع)، باید روایات مورد تردید ، با قرآن انطباق داده شود و در صورت مخالفت، به مقتضای ظاهر آن عمل نگردد. از سوی دیگر، در قرآن به هیچ آیه ای که حکمی کلی در ارتباط با نقص عقل و ایمان زنان داشته باشد، برخورد نمی کنیم ، بنابراین ما نیز نمی توانیم این دسته از روایات را در معنای ظاهری آن بپذیریم .^۷ این اصل کلی حاکم بر روایات در این باب می باشد اما به بررسی چند مورد از مشهورترین روایات می پردازیم تا با بیان اشکالات وارد بر آنها هیچ جای تردیدی نماند .

خطبه ی ۸۰ نهج البلاغه ، مشهور ترین روایتی است که در میان مردم مطرح شده و بسیاری با استناد به فرمایش امیرالمومنین ، زنان را مورد تحقیر و آزار قرار می دهند و با چشم برده به آنان نگاه می کنند :

« مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ النَّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيْمَانِ، نَوَاقِصُ الْحُطُوْظِ، نَوَاقِصُ الْعُقُوْلِ. فَأَمَّا

۱ - لم یلق عی فرماید که گو گفتی از طرف اینها گفتند که ما را با حق نآ تطلق ده و بگویی ای و شله از حق نآ بر نآ یافتی بد نآ علی نو هو گوین در ارتباط نآ و تلی طلم نرظ قطع ننو ه و بینا و توضیح نآ را از ما بپرسی .
وسئل الشیخ ج ۴۷ ص ۱۱۲ ح ۳۳۵۱

۱ - لم یلق عی فرماید که گو گفتی از طرف اینها گفتند که ما را با حق نآ تطلق ده و بگویی ای و شله از حق نآ بر نآ یافتی بد نآ علی نو هو گوین در ارتباط نآ و تلی طلم نرظ قطع ننو ه و بینا و توضیح نآ را از ما بپرسی .
وسئل الشیخ ج ۴۷ ص ۱۱۲ ح ۳۳۵۱

شبهات حقوق زنان در اسلام

نُقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَقَعُوْدُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ، وَ أَمَّا نُقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ أُمَّرَاتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ، وَ أَمَّا نُقْصَانُ حُظُوْطِهِنَّ فَمَوَارِيْثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيْثِ الرَّجَالِ. فَاتَّقُوا شَرَّ الرَّسَاءِ وَ كُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ، وَ لَا تُطِيعُوْهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ.»^{۱۸}

۱- در ابتدا با بررسی سندی این روایت مشاهده میکنیم که سید رضی این خطبه را بدون ذکر سند بیان می کند و همچنین در کتاب خصائص الائمه خود نیز باز این خطبه را مطرح و منبعی را برای آن معرفی نمی نماید.^{۱۹} ما نمی توانیم متون موجود در نهج البلاغه را مسلم الصدور و غیر قابل نقد و بررسی اعلام کنیم، بلکه مطالب مندرج در این کتاب ارزشمند نیز همانند سایر کتب روایی باید مورد تجزیه و تحلیل و نیز بررسی انطباق آن با مفاهیم قرآنی قرار گیرد. با دقت در مضمون خطبه نیز میتوان اشکالاتی را به آن وارد نمود :

۱- ای و م، هملا زنا درمقایسه با و دن، در ایجا و بهو و عی از لیا و عقی متفاوتند. لا تغوات ایجا بوزنا، برکت زو و دن از نط زو و و در ایجا عت ضعی «آنهاست و لا تغوات عقی بوزنا و دن از نط زو و عقی که شهادت و زنی در ایجا شهادت نکند و عقی و عقی تغوات در بهو و عی از لیا و ناکرا تا بوزنا نص را تا و دن شمس از نط با بپرهیزی و مبله نیکنان شایا باشد در خولقها نیک هو و فرمانها با شایا نباشد ۱ در ایجا منکر ت طع و ریزد. (ترجمه مرحوم هجت)

۱- روع شود مقله و لایات نقصنا عقی و ایجا زنا در بیعت اعتبار
سنج (لمو جفی)، صفحه ۴

شبهات حقوق زنان در اسلام

۲- آیا اگر مردان بزرگی، حتی انبیا و اولیا، در زمان بیماری، روزه خود را افطار نموده و حتی اگر این بیماری، منجر به فوت آنان شود، دیگر نیازی به قضای آن هم نباشد، تمام اینها دلیل بر ناقص بودن ایمانشان به حساب می آید که ترک نماز و روزه زنان در ایام عادت ماهانه که آن هم به دستور خداوند است، آنان را ناقص الایمان نماید؟ و آیا نماز شکسته مسافران، موجب نقص ایمانشان نسبت به دیگران خواهد شد .

۳- اشکال دیگری نیز در این روایت وجود دارد در پایان همین خطبه : "لا تطیعوهن فی المعروف حتی لا یطمعن فی المنکر"؛ یعنی خواهش های بجا و صحیح زنان را نیز نپذیرید، تا آنان در خواهش های نادرست، طمع نوزند! اگر ما این دستور را مرتبط با تمام زنان بدانیم، آیا این، توجیه گر اعمال اشخاصی نخواهد شد که به درخواست حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در یاری رساندن به امیرالمومنین و نیز در جریان غصب فدک، پاسخ مثبت ندادند؟!

۴- علاوه بر این مطالب ، هنگامیکه رفتار امیرالمومنین را با همسر و دختران خود می بینیم کاملاً متوجه این موضوع می گردیم که این حرفها هیچ سنخیتی با رفتار آن حضرت ندارد و حتی در جاهای دیگری از نهج البلاغه صحبت از خوش رفتاری با زنان می نمایند^{۲۰} و حتی برخی از مومنان را از جمله عاملان خدا در روی زمین یاد می کنند.^{۲۱}

۲ - نهج البلاغه ، نله ۱۴

۲ - کاف ج ۵ ص ۳۲۴ حدیث ۵

شبهات حقوق زنان در اسلام

بنابراین، یا باید صدور این سخنان را از جناب ایشان مردود بدانیم و یا این که معنای دیگری را برای آن در نظر گرفته و دلایلی را برای بیان این سخنان جست و جو نماییم.^{۲۲}

دو روایت مشهور دیگری که در باب تحقیر مقام زن مطرح می گردد روایاتی است از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) :

عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عن سليمان بن جعفر الجعفری، عن ذكره، عن أبي عبد الله قال: قال رسول الله (ص): « ما رأيت من ضعيفات الدين وناقصات العقول أسلب لذي لب منكن »^{۲۳}

و مر رسول الله ص على نسوة فوقف عليهنّ، ثمّ قال: يا معاشر النساء ما رأيت نواقص عقول و دين أذهب بعقول ذوى الالباب منكنّ؛ إنى قد رأيت أنّكنّ أكثر أهل النار يوم القيامة فتقرين الى الله عزوجلّ ما استطعتنّ. (فقالت امرأة منهنّ: يا رسول الله ما نقصان ديننا وعقولنا؟ فقال): أمّا نقصان دينكنّ فالحيض الذى

۲ - روح نودم : كتاب زن در آيينه جلال و جلال الله صفحه ۶ ۳، كتاب زن و مسأله قضايه و سيليه / صفحه ۹ ۲، ملا ت: زن درخج البلاغه (سید همدان: طاهري)، در چه تفاوتها زن و در خطبه ۸۰ نهج البلاغه (مائه ضياء)، مقلد نگا فق الحديث به و لا يتخرق العظم (هي رمسجن)، فق و در چه دیدگاهها مرد طبع خطبه ۸۰ نهج البلاغه (ناصر قرينا نيا)، معل شنليه ابنا در و لا يتخرق لايجنا (لمين طباطباي)، جاينگا حقوق زن درخج البلاغه (زهو برقع)

۲ - كيف ج ۵ ص ۲۲۲ حديد ۱

شبهات حقوق زنان در اسلام

یصیِّکَن فتَمکثُ إحدَاکنَّ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا تَصَلّٰی وَلَا تَصُومُ، وَأَمَّا نَقْصَانُ عَقُولِکِنَّ فَشَهَادَتِکِنَّ، إِنَّمَا شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ نِصْفُ شَهَادَةِ الرَّجُلِ.»^{۲۴}

این دو روایت نیز در سند خود دچار اشکال هستند و مرسل می باشند و نمی توان آنها را معتبر دانست.^{۲۵} روایات دیگری که از پیامبر با همین تعبیر نقل شده نیز دچار مشکل سندی هستند.^{۲۶}

گروهی از روایت وجود دارند که دلالت می کنند بر اینکه دیه زن نصف دیه مرد است: قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ: «دِيَةُ الْمَرْأَةِ نِصْفُ دِيَةِ الرَّجُلِ»^{۲۷}

عده ای از حامیان حقوق زن و به اصطلاح فمینیست ها این حکم اسلامی را در مخالفت با تساوی حقوق زن و مرد دانسته و آن را ظلم به زن میدانند اما در پاسخ به این گروه باید گفت:

۲ - لا یحضو الفقہی ، ج ۳ ص ۲۹۷ حثی ۶

۲ - عه ی مریل و ن ولایت طبع کلف را در کمال و در لغت برابری و ولایت ، لقب مرحوم کلینی را کلف دانسته اند و آن را جلد هفتم سند دانسته اند لا بلید ، کف لا یحیی کی از علما شیعه تاکنند این ذکر هلد که تمام ولایت کلف صحیح السند و قطعاً ط دراز معصوم شد و با و چند مرحوم کلینی مقام ا رجمی دلته و برتری مد ثلث شیعه شد لا معصوم از خطلو ثلثیا نو ه شد وند لنت برابری و بیوگ بله شه شد که ظیح از ولایت کتاب شوی از نظر سنی تمام نباشد و حتی خود مرحوم شیخ کلینی هم مدعی نیست که تملیح ولایت که در کلف جمع کرده ، صحیح است.

۲ - روع شود مقلد ولایت نقصنا لفق و ایضا زنا در بیوه لغت رسنجی

۲ - وسیلئ الشیعه ، ج ۱۹ ، ص ۵۱

شبهات حقوق زنان در اسلام

اولاً نصف بودن دیه زن نسبت به مرد مادامی است که دیه به میزان یک سوم نرسد ولاً در متر از یک سوم باهم برابر هستند. فلذا اگر مقصود از نصف بودن دیه زن بی ارزش بودن او می باشد می بایست در همه جا همین حکم جاری می گشت

ثانیاً دیه به منظور جبران خساراتی است که از ناحیه ی مجرم بر شخص قربانی یا خانواده ی او وارد گردیده و از آنجا که در تعلیمات دینی فعالیت های اقتصادی برعهده ی مرد می باشد طبیعی است که خلأ ناشی از فقدان یک مرد در خانواده به مراتب بیش از خلأ ناشی از فقدان یک زن است.^{۲۸}

ثالثاً باز این نکته را یادآور می شویم که ملاک برتری یا پستی زن و مرد در اسلام، مباحث مادی نیست و کمتر یا زیاد بودن دیه نشان دهنده ی بالاتر یا پایین تر بودن جایگاه نمی باشد. بلکه ارزش انسان ها به کمالات معنوی آنها و تقواست

رابعاً مرد به عنوان عاقله ی بستگان خود در صورتی که جنایتی انجام دهند و مجبور به پرداخت دیه باشند مرد می بایست این مبلغ را پرداخت نماید و امثال این موارد که مرد می بایست هزینه ها را پرداخت کند و وظیفه ای برعهده ی زن

نیست.^{۲۹}

۲ - زن در آیه جلا و جلا لله ، ص ۴۰

۲ - روح شود ملا: نه ورد چه ناله می هی زن و و در نظر حقوق
جمعی ی سلاح یان (عاطف عباسی)، بل زپووع متفق قیآن و وای و بل ب هی

شبهات حقوق زنان در اسلام

نه و و د، ر، ی، ی، تغوات هی نه و و د در فائیه مجازات سلاح و میاز فقیه نآ
(حسین مهرور)

شبهات حقوق زنان در اسلام

چرا حق طلاق با مرد است؟

مسئله ی بعدی بحث حق طلاق است که چرا به مرد داده شده و زن این حق را ندارد؟ عده ای علت اینکه اسلام به مرد حق طلاق داده است را این می دانند که زن را صاحب اراده و میل و آرزو نمی شناسد، او را در ردیف اشیاء می داند نه اشخاص، اسلام مرد را مالک زن می داند و طبعاً به حکم «النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ»^{۳۰} به او حق می دهد هر وقت بخواهد مملوک خود را رها کند.

نکته ی مهم این است که در هیچ آیه ای از قرآن نیامده که حق طلاق برای مرد است اما از سیاق کلام که مرد را طلاق دهنده و زن را طلاق شونده معرفی می کند میتوان احتمال داد که حق طلاق با مرد می باشد ولی در روایات به این مطلب صریحاً اشاره شده است: قال النبیُّ: «الطلاق بید من أخذ بالساق»^{۳۰}

اولاً اسلام از هر وسیله ای که مانع طلاقهای ناجوانمردانه بشود استقبال می کند و خود با تدابیر خاصی سعی کرده که این گونه طلاقها صورت نگیرد. اسلام فقط با استعمال زور و استفاده از قوه قهریه برای برقراری روابط خانوادگی مخالف است. خانواده از نظر اسلام یک واحد زنده است و اسلام کوشش می کند این موجود زنده به حیات خود ادامه دهد. اما وقتی که این موجود زنده مرد، اسلام با

۳ - وی. اللیالی، ج ۱، ص ۳۳۴، حدیث ۳۷ ۱

۳ - طلاق های تک و دبل مستند از روی توجیه به زن و احساسات و انجام

شبهات حقوق زنان در اسلام

نظر تأسف به آن می‌نگرد و اجازه دفن آن را صادر می‌کند ولی حاضر نیست بیکره او را با مومیای قانون مومیایی کند و با جسد مومیایی شده او خود را سرگرم نماید.

ثانیاً علت اینکه مرد حق طلاق دارد این است که رابطه زوجیت بر پایه علقه طبیعی است و مکانیسم خاصی دارد؛ کلید استحکام بخشیدن و هم کلید سست کردن و متلاشی کردن آن را خلقت به دست مرد داده است. هر یک از زن و مرد به حکم خلقت نسبت به هم وضع و موقع خاصی دارند که قابل عوض شدن یا همانند شدن نیست. این وضع و موقع خاص به نوبه خود علت اموری است و از آن جمله حق طلاق است. و به عبارت دیگر علت این امر نقش خاص و جداگانه‌ای است که هر یک از زن و مرد در مسأله عشق و جفتجویی دارند نه چیز دیگر.^{۳۲}

بنابراین منطبق اسلام مبتنی بر مالکیت مرد و مملوکیت زن نیست. اسلام با شعاع وحی به نکات و رموزی در اساس و سازمان بنیان خانوادگی پی برده است که علم پس از چهارده قرن خود را به آنها نزدیک می‌کند.^{۳۳}

همه سخنان ما در باره این بود که طلاق به صورت یک حق طبیعی از مختصات مرد است. اما اینکه مرد می‌تواند به عنوان توکیل مطلقاً یا در موارد خاصی از

۳ - نظماً حقه زن در لیل ف صفحه ی ۶۶ ۲

۳ - نظماً حقه زن در لیل ، صفحه ی ۹ ۲

شبهات حقوق زنان در اسلام

طرف خود به زن حق طلاق بدهد، مطلب دیگری است که در فقه اسلامی مورد قبول است. امام خمینی (رحمه الله علیه) در پاسخ سوال از حق طلاق می فرماید: «برای زنان محترم، شارع مقدس معین فرموده است تا خودشان زمام طلاق را به دست گیرند، به این معنی که در ضمن عقد و نکاح شرط کنند که وکیل باشند در طلاق به صورت مطلق یعنی هروقتی که دلشان خواست طلاق بگیرند و یا به صورت مشروط یعنی اگر مرد بدرفتاری کرد یا مثلاً زن دیگری گرفت زن وکیل باشد که خود را طلاق دهد، دیگر هیچ اشکالی برای خانم ها پیش نمی آید و می توانند خود را طلاق دهند»^{۳۴، ۳۵}

علاوه بر این آیات و روایات که در ظاهر موجب تحقیر مقام والای زن می باشد و بسیار مطرح می گردد، در برخی احکام بر مرد بسیار سخت تر از زن حکم داده شده است مثلاً اگر مرد مسلمانی مرتد شود (مرتد فطری) حتی اگر توبه هم کند محکوم به مرگ است (طبق فتوای اکثر فقها) اما اگر زن مسلمان مرتد شود توبه ی او پذیرفته می شود و یا اگر مردی بعد از عقد نکاح دیوانه شود زن حق فسخ عقد را دارد اما اگر زن بعد از عقد نکاح دیوانه شود مرد حق فسخ عقد را ندارد. در پشت پرده ی همه ی احکام الهی مصلحتی وجود دارد که پروردگار

۳ - صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵

۳ - روح شومده ملاقات: تائو سج لاط ث زوج در فروپلیخ خط ه (بیم)

سالمه و ر)، سج طلای (جمشید جعفری ر)

شبهات حقوق زنان در اسلام

عالم می داند و از باب لطف بهترین دستور ها و حکم ها را که متناسب با نیازهای انسان ها بوده پایه گذاری نموده است .

شبهات حقوق زنان در اسلام

معرفی کتاب جهت مطالعه و تحقیق :

- ۱) نظام حقوق زن در اسلام ، استاد شهید مطهری
- ۲) زن در آیینه جمال و جلال الهی ، آیت الله جوادی آملی
- ۳) بانوی تراز ، سعید صلح میرزایی
- ۴) نقش و رسالت زن ، امام خامنه ای
- ۵) شخصیت و حقوق زن در اسلام ، مهدی مهریزی
- ۶) منزلت و حقوق زن ، سید ابراهیم حسینی
- ۷) قدرت و شکوه زن ، علیرضا پناهیان
- ۸) تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص ، ابراهیم شفیعی سروستانی
- ۹) زن و مسائل قضایی و سیاسی استاد شهید مطهری
- ۱۰) حقوق زن و خانواده، محمود حکمت نیا
- ۱۱) حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی زن، محمود حکمت نیا
- ۱۲) فلسفه نظام حقوق زن، محمود حکمت نیا